

مراجعه به آرام چند سیلیون خواننده خود انتخاب میکند و بالطبع مؤثرترین و مشهورترین مرد دنیا در جریان یکسال بعنوان «مرد سال» انتخاب میگردد.

آرام خوانندگان در هیئت تحریریه مجله که بیش از یکصد نفر عضو دارد مورد بررسی قرار میگیرد و نام کسی که «بزرگترین مرد سال» شناخته شده است اعلام میشود. امسال علاوه بر دکتر مصدق مجله تایم اشخاص دیگری مانند ترومن رئیس‌جمهور آمریکا، آچسن وزیر خارجه آمریکا، چرچیل، ژنرال آیزنهاور و ژنرال ماکآرتور را برای اخذ عنوان «بزرگترین مرد سال ۱۹۵۱» کاندید کرده بود.

ولی اکثریت خوانندگان و هیئت تحریریه تایم دکتر مصدق را شایسته این لقب دانستند و حتی چرچیل که پس از شش سال مجدداً نخست‌وزیر شده بود و آیزنهاور که پشیماناندهی کل قوای دول غرب منسوب شده است فقط آرام مختصری داشتند.

«تایم» مقاله چهار صفحه‌ای خود را راجع بدکتر مصدق با جمله یکی بود یکی نبود شروع میکند و می‌نویسد یکوقتی در اراضی کوهستانی بین بغداد و دریای خاویار (دریای خزر) مزدی از طبقه اشراف زندگی میکرد.

این مرد در ایام جوانی خود را در وزارت و وکالت یا حبس و تبعید گذرانید و بالاخره در ایام پیروزی روزی بمقام سدارت رسید.

صدارت همان بود و شهرت و عظمت و افتخار همان... در مدت چند ماه این پیرمرد چنان شهرتی در دنیا بدست آورد که هیچکس در چنین مدت کوتاه بدست نیآورده است. در این مدت اشک‌ها و خنده‌ها و ضعف و غش‌های او دنیائی را متوجه خود ساخت، دنیا را در آستانه جنگ قرار داد و مشرق‌زمین را بلرزه درآورد.

تایم پس از آنکه عوامل شهرت بی‌نظیر دکتر مصدق را در دنیا تشریح میکند می‌نویسد: مصدق روش عجیبی در حکومت خود دارد و کارهای خارق‌العاده و عجیب میکند: مثلاً فرمانداران ولایات در زمان حکومت او بحکم قرعه انتخاب می‌شوند و جلسات کابینه در منزل او دور تخت‌خوابش تشکیل میگردد.

دکتر مصدق هم مانند اشراف قدیمی ایران دوستان و اقوام و آشنایان بسیاری دارد که هر کدام از او توقعاتی دارند.

دکتر مصدق نمیتواند شخصاً به تقاضاهای آنها جواب رد بدهد. ولی برای رهائی از این مشکل هم فکر بکری کرده است. هر وقت یکی از این اشخاص بملاقات او میرود، مصدق نوه خود را که دختر کوچکی است نزد خود میخواند و پهلوی تخت‌خوابش می‌نشاند. وقتی که از او تقاضاهائی میکنند: مصدق جواب را به نوه کوچکش واگذار میکند و معصومه کوچولو به دستور قبلی جواب منفی میدهد، مصدق همین جواب منفی را دستاویز خود قرار میدهد و میگوید «چطور من حرف او را زمین بگذارم!»

مصدق در ملاقاتهای سیاسی خود هم گاهی باین حربه متوسل می‌شود و جواب را به نوه کوچکش واگذار میکند.

مصدق در ملاقاتهای سیاسی خود هم گاهی باین حربه متوسل می‌شود و جواب را به

امپراطوری بزرگترا بلرزه درآورد؛ او در رختخواب خود خوابیده بود و هزاران فرسنگ دورتر چراغهای وزارتخانه‌های دول بزرگ تا نزدیکی صبح روشن بود و سیاستمداران مشغول مباحثه و مجادله برای مقابله با اقدامات او بودند.

تا یکسال پیش یکنفر هم اسم مصدق را در دنیا نشنیده بود، ولی در این یکسال ۱۹۵۱ شهرت او از بزرگ‌ترین مردان دنیا هم گذشت، مصدق با اشکهای تیزایی خود پایه‌های عظمت امپراطوری انگلستان را سوزانید و با دست او چرخ‌های مرج و مرج و آشوب در خاورمیانه روغن‌کاری شد...

مصدق کاری کرده است که ملل شرق میانه و نزدیک دیگر تیسستی و اضمحلال خود را بر ادامه وضع فعلی ترجیح میدهند.

مصدق با این کار خود بررسی شوروی و کمونیسم خدمت بزرگی کرد: گرچه خود او کمونیست نیست ولی از کمونیست‌ها از کار او منتهای استفاده را کرده‌اند.

اگر دولت شوروی وسیع‌ترین نقشه‌ها را برای ایجاد آشوب در خاورمیانه پسر حله اجرا می‌گذاشت هرگز موفقیتی را که امروز نصیبش شده است بدست نمی‌آورد.

هشت ماه حکومت دکتر مصدق نتایج بزرگی در شرق میانه بوجود آورد و ملل این منطقه سهم و حیاتی را بر علیه دولت غرب تسبیح کرد.

سر موفقیت و پیشرفت مصدق در محبوبیت فوق‌العاده و مهارت او در تحریر و تسبیح افکار عمومی است. او که موفق شده است انگلیس‌ها را از کشور خود براند، شایسته لقب «واهنگتن ایران» است.

نکات برجسته مقاله معروف تایم در فوق از نظر خوانندگان گذشت، چنانچه ملاحظه میشود تایم باز هم روش انتقادی خود را درباره مصدق حفظ کرده، ولی با وجود این او را بزرگترین مرد دنیا در سال ۱۹۵۱ نامیده است.

لغظ «تایم» آمریکا نیست که مصدق را بزرگترین مرد دنیا در سال گذشته میداند اغلب مطبوعات دنیا از جمله «ریوارول» چاپ پاریس، «ایماژ» مصری و «میل» هندوستان مصدق را بزرگترین مرد دنیا در سال گذشته لقب داده‌اند.

«ریوارول» چاپ پاریس در مقاله‌ای تحت عنوان «مصدق - پیغمبر نفت» مینویسد «در نیم قرن اخیر در دنیا سیاستمداری یا چنین خصوصیات وجود نداشته است، روش دکتر مصدق در حکومت و سیاست محکم و تظہیرناپذیر او در کمتر سیاستمداری دیده شده است. مصدق کشور ضعیف و تنهایی را به یک امپراطوری قوی و کهنسال غالب کرد و تمام میل و نقشه‌های حریف را نقش بر آب نمود.»

روزنامه فرانسوی در جای دیگر مینویسد «مخالفین مصدق او را انگلیسی خواندند، روسها به او «سوکر امپریالیسم آمریکا» لقب دادند و انگلیسها او را کمونیست نامیدند، ولی بالاخره معلوم شد که مصدق یک قهرمان ملی است و بدون پشتیبانی هیچ دولت خارجی برای استقلال و آزادی وطن خود می‌کوشد.

روسها برای نزدیک کردن مصدق به خود زحمت بیپرده کشیدند، سادچیکف سفیر

شوروی بارها در صدد اغوای او برآمد و حتی از طرف استالین او را بمسکو دعوت کرد، ولی مصدق گول هیچکس را نخورد و دعوت مسافرت بمسکو را هم بوقت «مناسبتی» موکول کرد.

مصدق در دوران کوتاه زمامداری خود به دنیا نشان داد که تسلیم پول و زور نمیشود و در نظر او هیچ چیز بالاتر و والاتر از ایده آل ملیش نیست. مجله «فوروم» هندوستان که تصویر مصدق را در پشت جلد خود چاپ کرده او را «گاندی جدید مشرق زمین» خوانده و «ایماژ» نوشته است که «مصدق بزرگترین مرد سیاسی دنیا در سال گذشته، نقطه تحولی در تاریخ ملل مسلمان خاورمیانه بوجود آورده است. او را اگر پیغمبر سیاسی یتامیم اغراق نگفته‌ایم، زیرا تحولی که او در افکار صدها میلیون نفر از مردم جهان بوجود آورده کمتر از تحولی که یک دین نو بوجود می‌آورد نیست»

روزنامه «کوریه» سویس مینویسد «نام مصدق در تاریخ برای همیشه جاویدان خواهد ماند، و نام او در تاریخ جهان در ردیف قهرمانان واشنگتن، سیمون بولیوار و گاریبالدی ذکر خواهد شد.

* در آن ممالک بغافلر آنکه دولت سلطه‌جوی انگلیس بدت دو سال خرید محصول ایران را توسط شرکته‌های نفتی جهان ممنوع ساخته بود، در این تنگنای بین مرگت و زندگی، بزرگترین کشور سوسیالیستی جهان «اتحاد جماهیر شوروی» که همواره در نهضت ملی ایران، چه در رادیوها و چه در روزنامه‌ها از ما حمایت لفظی می‌کرد، حتی برای خرید یک قطره نفت و یا اعطای یک «رویل» اختیار پا به جلو نگذارد، دیگر کشورهای سوسیالیستی «نبالهروی شوروی هم اینچنین کردند، این کشورها و دیگر ملت‌های دوست دور و نزدیک در کنار صحنه تشسته قحط با کفش‌دتها ما را به خودکشی در مقابل حریف پاری کردند.

• • •

* دردناکترین یادآوری آنست که بانک مرکزی کشور همسایه‌ی شمالی ما (که بنا بگفته‌ی دکتر مگری سفیر ایران در مسکو) به آمریکا در مورد ایران اخطار داده است، پس از آنکه رژیم شاه دوباره بر ایران مسلط شد، موافقت کرد تا (علاهای) ایران را که از زمان جنگ دوم جهانی در آنجا بلوکه شده بود برای گشایش وضع اقتصادی رژیم شاه به ایران بازگرداند!

* در آن لحظات حیاتی، کشورهای همسایه و صاحب نفث ما «عراق» کسویت، عربستان، تا توانستند بر استخراج نفث خود افزودند که هم رضایت ارباب آنزمان خود «انگلستان» را فراهم سازند و هم سود فراوانی از این فروش فوق‌العاده نصیبشان گردد.

* در آن ایام روزنامه‌نگاران آمریکائی، دکتر محمد مصدق را «پاتریک هنری»

ایران میخواندند، اما همان آمریکائیان حامی حقوق بشر و آزادی فردی و... این «پاتریک هنری» مشرق‌زمین را بکمک عوامل خائن داخلی و با صرف چند میلیون دلار درآوردند، و ملت ایران را دست‌بسته تسلیم شاه نمودند.

* (پاتریک هنری) فرمان ملی آمریکا علیه قدرت استعماری انگلستان در سالهای (۱۷۳۶ - ۱۷۹۹) بود.

انتخاب يك (آرم) دو چهره‌ای برای شرکت نفت ایران و انگلیس



۹۰ سال قبل مسئولان اولیه شرکت نفت ایران و انگلیس، بمنظور مطرح يك (آرم) جهت شرکت نفت تصمیم گرفتند، آنرا با دو چهره، یکی پندارنگران انگلیسی و دیگر فریب دادن (ایرانیان ملی) انتخاب کنند، چنین طرحی که در این قسمت می‌آید، در مطبوعات روز ایران و نشریات شرکت نفت منتشر می‌شد:

۱- چهره‌ی اولیه که بسود انگلیس‌ها مطرح شده بود، دو حرف اولیه این دو کلمه‌ی انگلیسی (British Petroleum) یعنی نفت انگلستان،

۲- چهره‌ی دوم جهت فریب ایرانیان که در مطبوعات آنروز ایران، بسدین شرح مطرح می‌شد: (ب - پ) (بنزین پارس) دو حرف اولیه این دو واژه‌ی فارسی: (بنزین پارس)، این آرم روی پیت‌های حلبی بنزین حك شده بود و بهمگان فروخته می‌شد. در حالیکه، این محصول در (خوزستان) استخراج می‌شد، اما کلمه (پارس) در سرزمین (فارس) است که بشامل تعبیر می‌شد. پس از ملی شدن صنعت نفت تا امروز، شما در هر نقطه‌ای از جهان با این آرم روبه‌رو شوید: که خلاصه‌ای از دو کلمه‌ی (بریتیش پترولیوم) که یکی از بزرگترین شرکت‌های نفتی گازنگر جهان است و ما لطفه آنرا دیده‌ایم.

نظریه چند شخصیت سیاسی ایران و جهان

۱- آیه‌الله کاشانی (۱۳۳۰/۲/۲۹)

دکتر مصدق سیاستداری و ملتخواه و مسلمان و مخالف دخالت و چپاول اموال ملت توسط اجنبی است، وی تمام اوقات و تلاش خود را جهت تجدید و عظمت و عزت ایران و سعادت ملت خود مصرف می‌دارد.

۲- مولانا ابوالکلام آزاد (۱۳۳۰/۴/۱۶)

«باید پملت ایران تبریک بگویم که بعد از مدتها يك شخص مخلص و باتدبیر زمام دولت را در دست گرفته و موجبات ترقی ایران را فراهم کرده است.»

۳- غضنفرخان سفیر پاکستان در ایران

«من در واقع عاشق دکتر مصدق هستم و در تمام مدت سفر در عالم سیاست شخصی رایه شایستگی او ندیده‌ام، دکتر مصدق يك زماندار ایده‌آلی است که برای ملت خود فداکاری می‌کند، نخست‌وزیر ایران یکی از سیاستمداران بزرگ قرن بیستم است.»

۴- دکتر گرینلی سفیر آمریکا در ایران (آبان ۱۳۳۰)

«دکتر مصدق مردی است که در امور سیاسی استعداد خارق‌العاده‌ای دارد.»

۵- ویلیام دوگلاس قاضی دادگاه عالی آمریکا

«هنگامی که مصدق در ایران به اصلاحات اساسی دست زد ما به وحشت افتادیم، ما با انگلیسی‌ها همدست شدیم تا او را از میان برداریم، در این راه توفیق یافتیم ولی از آن روز دیگر در خاورمیانه از ما به نیکبامی یاد نشده است.»

۶- پیرفوتن (نویسنده کتاب جنگ سرد نفت)

«ما جرأت بی‌پیرایه و مقرون به بدبختی يك مرد شریف همچون دکتر مصدق را که قربانی نقشه‌های بین‌المللی شد می‌ستائیم و به تقدیم احترامات خودمان اکتفا می‌کنیم.»

۷- صالح‌چیر (رهبر حزب ملی عراق) ۱۶ - ۴ مه ۱۹۵۳

«با کمال صراحت می‌گویم که افزایش درآمد نفت (عراق) سهون تلاش و همت دکتر مصدق است. ما عراقی‌ها برای نهضت ملی ایران ارزش بسیار قائلیم، بدون شك این نهضت در بیداری ملل شرق مؤثر واقع شده است.»

۸- انوروتالی (کتاب سیا)

«مصدق، شاه شاهان را از صحنه‌ی سیاست کنار گذاشت و در واقع شروع به کردن دم شیر کرد.»

۹- جرج لنگافسکی (نویسنده کتاب نفت و دولت در خاورمیانه)

«دکتر مصدق پرچمدار یکسره کردن تکلیف شرکت نفت انگلیس و ایران شد و سپس به ابتکار وی قانون معروف به ملی شدن صنعت نفت تصویب شد.»

زندگینامه کوتاهی از مبارزات دکتر مصدق

دکتر محمد مصدق، شخصیتی بود بسیار سربازان، خونگرم، صمیمی و مؤدب، حتی با پائین‌ترین زیردستان خود.

او در برابر مسائل ملی و میهنی آنچنان دچار احساسات می‌شد که وصف‌شدنی نیست. تاریخ نام سه عمل مشهورانه‌ی دکتر مصدق را در میهنی خود ضبط کرده است. نخستین عمل مشهورانه‌ی وی تعلق بسیار تند و میهن‌پرستانه‌اش در مجلس شورای ملی در روزی بود که میخواستند احمدشاه را از سلطنتش خلع و رضاخان را به سلطنت برسانند. در این تعلق وی شدیدترین حملات را به رضاخان که میرفت دیکتاتور آینده‌ی مملکت ما شود ابراد کرد که همان سخنرانی موجب آن گردید که بعدها به انزوا و سپس به تبعید کشانده شود.

دومین اقدام مشهورانه‌ی رهبر جبهه‌ی ملی پیشنهاد طرح ممنوعیت وزیران در مذاکره‌ی نفت با خارجیها بود.

سوم یادداشت بسیار تند وی در دوره‌ی پانزدهم زمانی که مجلس می‌خواست قرارداد (گس - گلشائیان) را امضاء کند است.

وی بهمان اندازه که در برابر قدرتهای خارجی شهامت و سرسختی از خود نشان میداد در برابر هموطنان و منافع ملی ایشان بسیار ملایم و محافظه‌کار بود.

مشاغل اداری که این بزرگمرد تاریخ ایران عهده‌دار بود بیشتر در امور مالی بوده است مانند: استیفای خراسان - عضو تطبیق حوالجات - معاون وزارت مالیه - ریاست کل محاسبات - استانداری فارس و آذربایجان - وزارت دارائی - وزارت دادگستری و وزارت خارجه و سه دوره نمایندگی مجلس در دوره‌های پنجم و ششم و چهاردهم.

دکتر محمد مصدق در دوران زندگی سیاسی خود با رضاخان - دکتر میلسیو، سهیلی، تدین، صدر، قوام، سید ضیاء بمخالفت برخاست. وی تنها نماینده‌ی مجلس بود که در دوره‌ی ششم هنگامیکه رضاخان به سلطنت رسید از ادای سوگند وفاداری بوی خودداری کرد که در نتیجه تا شهریور ۱۳۲۰ در تبعید و انزوا بسر برد.

در نهم اسفند ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق از شاه مخلوع خواست بمنظور ایجاد محیطی مناسب برای خدمتگزاران وطن برای مدتی کوتاه بخارج برود که یا تومته‌ی شاه و حامیانش حوادثی در پایتخت روی داد و بعداً ماجرای ربودن سرتیپ افشارملوس رئیس شهربانی وقت پیش آمد. با همه‌ی این مشکلات و تحریکات شاه و طرفدارانش، مصدق بمدت ۲۸ ماه در مبارزه‌ی داخلی علیه شاه و اطرافیان و خارجی علیه انگلستان

و یارانش آنچه در توان داشت جنگید تا آنکه در ۲۸ مرداد کودتائی که دولت‌های آمریکا و انگلیس به دمت سازمان سیا در ایران پدید آوردند سقوط کرد و پس از دستگیری در يك دادگاه نظامی فرمایشی محکوم به سه سال زندان شد که در زندان سلطنت‌آباد و سپس لشکر ۲ زرهی بسر برد و در سال ۱۳۳۵ از زندان آزاد و تحت‌الحفظ به احمدآباد اعزام گردید و در آنجا از ملاقات ممنوع بود.

بخاطر آنکه دکتر مصدق در این ایام دچار عوارض ناراحت‌کننده‌ای شده بود، در اواخر آذر ۱۳۴۵ بنا به اصرار قراوان اعضاء خانواده‌اش اجازه یافت زیر نظر شدید مأموران به بیمارستان نجمیه انتقال یابد، در معایناتی که از وی بعمل آمد، بیماری وی سرطان فك تشخیص داده شد که محتاج به معالجات خارج از کشور بود که متأسفانه عملی نبود، بهمین مناسبت در ساعت شش و ۴۵ دقیقه پامداد روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ در سن ۸۴ سالگی بعلت خوتریزی شدید داخلی بدرود زندگانی گفت و همی وطنخواهان و آزادمردان وطن را در سوگ خود داغدار ساخت.

وصیت‌نامه دکتر مصدق

نقل از مطبوعات روز

دکتر «محمد مصدق» پیش از مرگ وصیت کرده بود، او را در آرامگاه شهدای سی تیر به خاک بسپارند، یعنی در میان شهیدانی که در برابر استبداد و ظلم قیام کردند و برای بشر رساندن يك انقلاب مردمی، از جان خود گذشته بودند، انقلابی که با توطئه ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا اندازه‌ای و برای مدتی خنثی شد. مصدق‌کبیر می‌نویسد:

«وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر دفن نمایند.»

اما در روز ۱۴ اسفند، روز مرگ «مصدق» به وصیت او جامه عمل نپوشاندند، خودکامگان متم‌پیشه، تصور می‌کردند: «مرده مصدق، از زنده او خطرناکتر است» آنان می‌ترسیدند که اگر «مصدق» را در آرامگاه شهدای انقلاب سی تیر دفن کنند، باز دیگر انقلابیون به‌خاک و خون خفته، ازجای برخوانند خاست و علیه منافع رژیم‌شان به مبارزه خواهند پرداخت.

... از این‌رو «مصدق» را در احمدآباد ملك شخصی پیشوا که آخرین سالهای عمرش را در آنجا در حقیقت زندانی بود، دفن کردند و به امانت گذاشتند تا روزی که تاریخ برخلاف خواسته چیره‌خواران استعمار و چاکران سرسپرده، ورق بخورد و این امانت را از احمدآباد بازستانند و به وصیت «مصدق کبیر» تحقق بخشند.

عکس‌هایی تاریخی از زندگینامه دکتر مصدق

آیه‌الله کاشانی با دکتر مصدق نخست‌وزیر همواره در مسائل سیاسی روز و ۴ بحث و مذاکره می‌پرداخت و او را مورد تایید قرار میداد



دکتر مصدق در سالهای آخر عمر در تبعیدگاه



دکتر مصدق در سالهای اقامت اجباری در احمدآباد که حتی اجازه نداشت در
بیابانهای اطراف ششگده قدم بزند





دکتر مصدق در احمدآباد



در ملاقاتها گاهی معصومه نوه دکتر مصدق را هم نزد او میبرند



از راست به چپ: دکتر محمد مصدق - دکتر شمس‌الدین امیرعلاتی - دکتر شایگان
- الهیار صالح



دکتر مصدق در روزهای آخر عمر در کنار همسر خود



دکتر مصدق در تبعیدگاه خود احمدآباد - فرزندان متن نامه‌ای را برایش می‌خوانند





آخرین روزهای زندگی دکتر محمد مصدق



بعد از سالها تربیت دکتر مصدق گلباران می‌شود

نمونه‌هایی از کار یکاتوره‌های روز مطبوعات جهان در باره نفت و ایران و دکتر مصدق

نشر تعدادی از کاریکاتورهای مطبوعات جهان بعنوان نمونه که دربار می مبارزه ملت ایران علیه دولت استعمارگر انگلیس انتشار یافت در این بخش نقل می‌کنم

نویسنده بغض آنکه سالها سردبیری روزنامه باختر امروز بوده‌ام، در ارتباط با مطبوعات روز جهان در زمینه‌ی تربیت ملی ایران و ملی شدن صنعت نفت، کاریکاتورهای بسیاری از مطبوعات شرق و غرب جمع‌آوری کرده بودم، که برخی از آنها را بعنوان نمونه در این بخش می‌آورم.

پس دو اثر از یکی از همکاران هنرمند ما در آن زمان بنام (اردشیر محمصی) کاریکاتور مشهور روز بود و عیناً در روزنامه باختر امروز انتشار یافت در این کتاب آنرا را نقل می‌کنم:



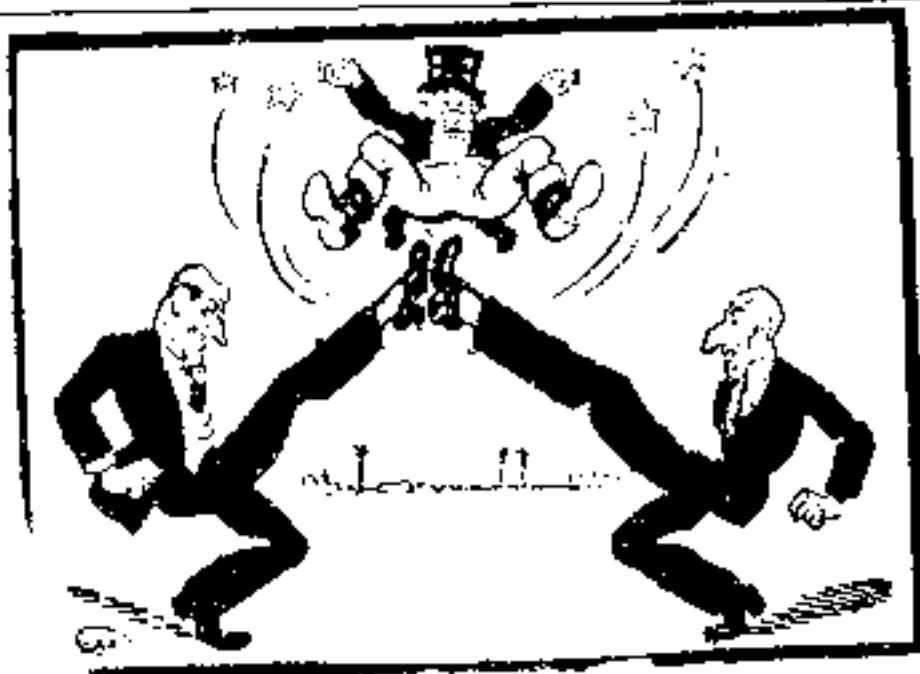
در این تصویر کاریکاتوریست، سمبل سه کشور ایران و انگلیس و شوروی را بشکل (شیر و خورشید) و (شیر پاشکمنه) انگلیس و (خرس حیرت‌زده) روس، در صحنه مبارزه با ملی شدن صنعت نفت توسط ملت ایران، آنها را به حیرت و شکست دچار ساخت.

(نقل از روزنامه باختر امروز)



(تهیست ملی ایران دماغ هیئت حاکمه انگلیس را بغاطر قطع درآمد مفت نفت ایران شدیداً سوزانید.)

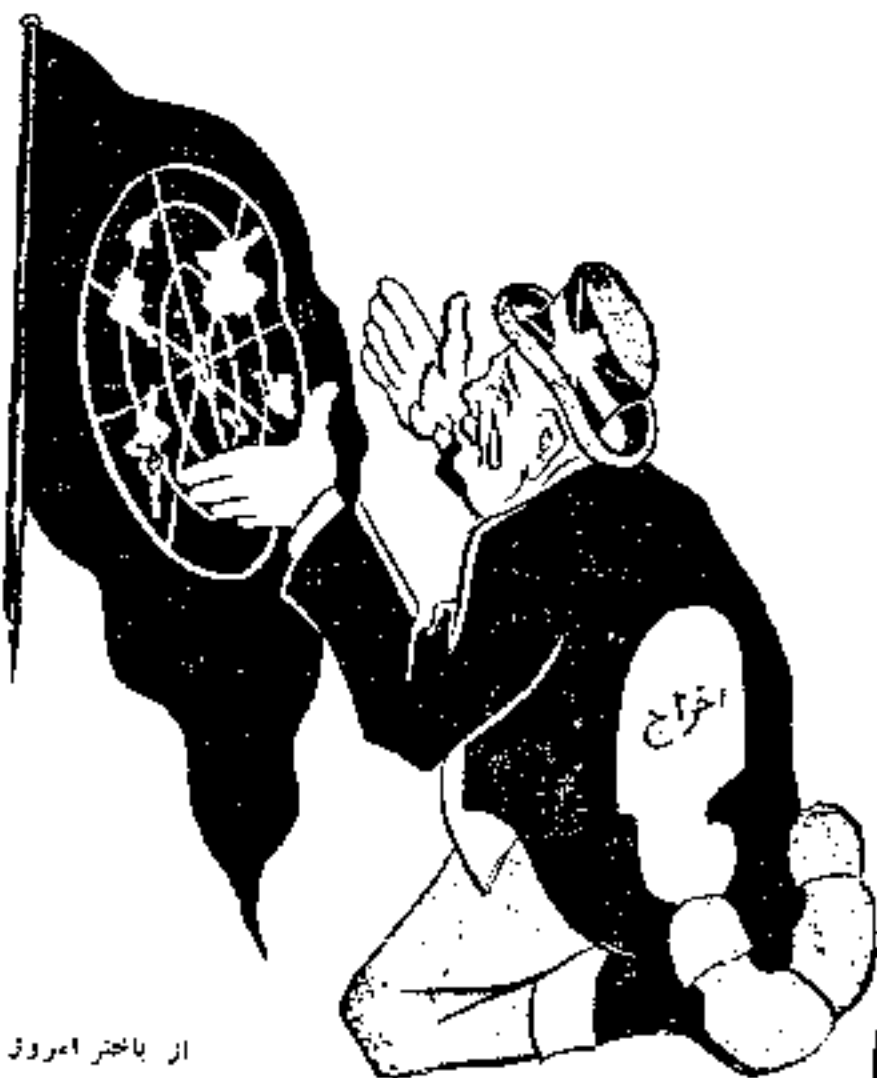
(باخر امروز)



دکتر مصدق و نجاشی پاشا به «چون یول» خدمت میکنند
کاریکاتور از ایندا (عراق)

اخراج انگلیسی‌ها از ایران

(ارباب دیروز و امروز)



از باختر امروز

امروز

بازی با « دم شیر » بریتانیا



نعلین پاشا به دکتر مصدق - ترا بخدا بمن هم بگو دم این شیر را چطور بریدی که
مدیش هم در نیاسد؟

کاریکاتور از نیویورک تایمز (امریکا)



مصدق: باز همیشه این گفتار برای ما هست که در میان نفت خودمان شرف می‌شویم.
کاریکاتور از زی - اوئل - آره



بعد از تعطیل سفارت حوز بول به دکتر مصدق - حالا که مریضی از رختخواب اینطور میزنی... وای باین که سلامت بودی از روزنامه مصری «الاحبار»

توپ سرچون بول است!



از روزنامه مصری «الاحبار»

آغاز فصل فوتبال در خاورمیانه



امروز مصر



دیروز ایران

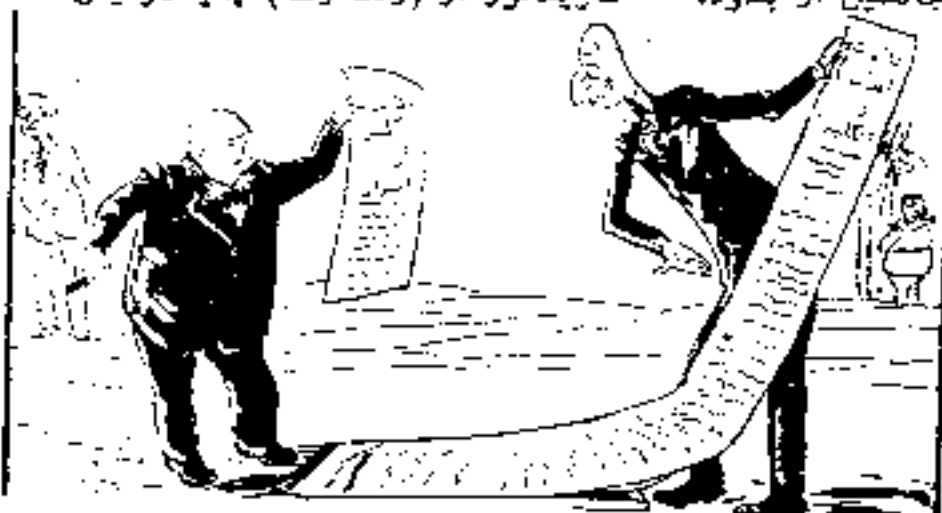


پریروز هند

کاریکاتور باختر امروز



ساحر ایرانی نشتخوار انگلیس را پائین میافکند ولی عمو استالین با سطل خود آماده است که جانشین او بشود. کاریکاتور از (ولت و خه) چاپ سوئیس.



از «شاتکارس» چاپ هندوستان

جواب «های» - «موی» است.



شیر بی اشکم و دم انگلیس با شمشیر شکسته به جنگ دکتر مصدق آمده است.
 و از صبح ایران.

پایان نازل دیدن دکتر مصدق می آید!



و قرار است مشیر کبیر آمریکا در ایران با پیشنهادات جدیدی درباره نفت بهرمان
 مراجعت کند.
 کاریکاتور از هچله نیوزویک (آمریکا)

«شیر پیره» بریتانیا را چگونه باید رام کرد؟



نحاس پاشا نخست‌وزیر مصر که با شیر بریتانیا در افتاده کتاب و فن رام کردن شیر
 بقلم دکتر مصدق را مطالعه میکند.
 کاریکاتور از روزنامه دیلی مگرافیک (انگلستان)

شیر دم‌پریده



کاریکاتور از کانار انشته (فرانسه)

«شیره» امپراطوری و تفت ایران

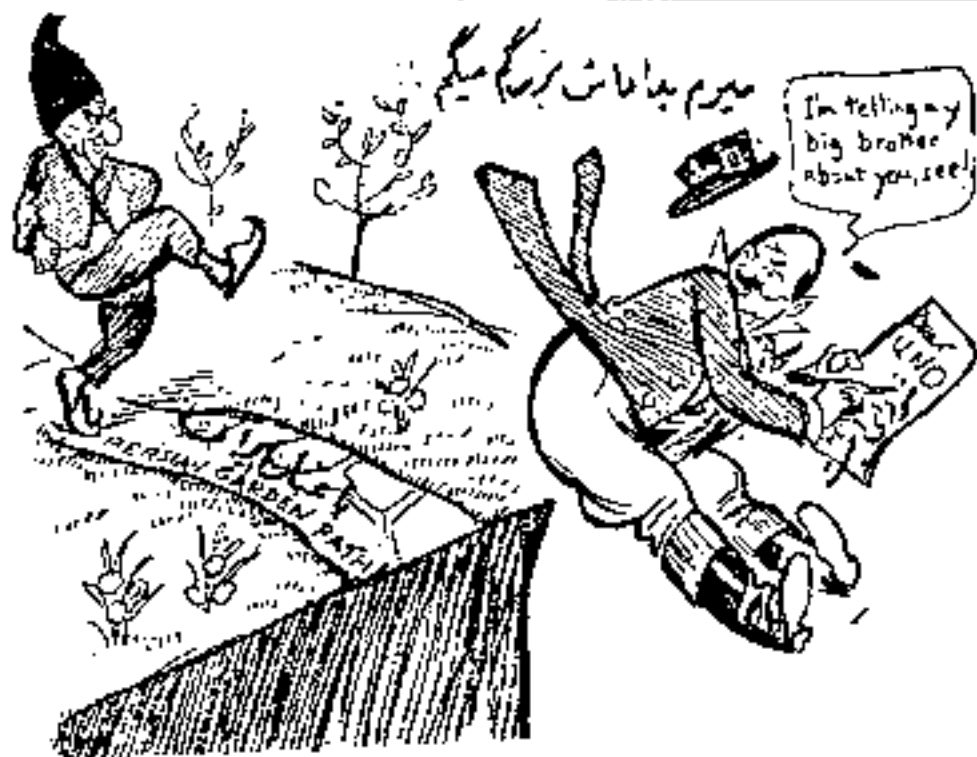


مصدق سالخورده جریان نفت رد قطع کرد و مذاکرات ایران و انگلیس پتچر شد و
مانند آیا دوباره اتصال برقرار خواهد شد؟

کاریکاتور از تورنتو گلوب (کاتانادا)



ان رو بهك چرا تنهستی بجای خویش
با شیر پنجه کردی و دیندی سزای خویش



ترویجی پس از مرگ - یا شکایت انگلستان بتسورای امنیت
 کاریکاتور از دیلی اکسپرس (انگستان)



ملکه مادر روزیکه از ایران میرفت و میخواست با فرزندش خدا حافظی کند باو
 گفت: «اشراف رفتن من هم رفتن ولی بدان که بعد از ما مصدق ترا در قسمی
 کرده در آنرا قتل خواهد کرد»
 از مجله آدانی اشپگل - کاریکاتور از لوت و م

بخش آخر

اسناد و مدارک رد عضویت از گروه (جامع آدمیت)

دکتر مصدق به یازده دلیل زیر بخطر حفظ منافع ملت و وطن عزیز خود:
با بزرگترین قدرت استعمارگر و بنیانگذار (فراماسونری)
جهان، (بریتانیا) به مبارزه‌ی شدید پرداخت

سه رهبر فراماسون جهان، نخست (وینستون چرچیل) نخست‌وزیر بریتانیا،
دوم (آیزنهاور) رئیس‌جمهور آمریکا، سوم، (محمدرضا پهلوی) لژ اعظم ایران، دست
همکاری بیکدیگر داده و متحد؛ در ۲۸ مرداد علیه حکومت ملی دکتر مصدق دست به
توطئه زدند، ویرا سرنگون ساخته و پزندان افکندند و (نفت) ایران را بنرخ ارزان
بدلت ۲۵ سال به دو ابرقدرت جهان سپردند.

در سالهای اخیر تهیتی ناروا به دکتر محمد مصدق زده شد که براساس اسناد
و مدارکی که در دسترس است این تهمت بی‌اساس رد می‌شود. به استناد دو کتاب و
مدارک دیگر ۱- (کتاب مصدق) از انتشارات همگام نوشته‌ی آقای علی جاززاده ۲- سه
جلد کتاب (تاریخ فراماسونری در ایران) نوشته‌ی اسمعیل رائین. وابستگی آزادمرد
دکتر مصدق به فراماسونری بکلی رد شده و مبارزات ویرا با این سازمان و اعضاء
وابسته بدان را چه در داخل و چه در خارج نشان میدهد. در زیر به یازده دلیل مستند
می‌پردازیم:

۱- پایه‌گذاران (فراماسونری) از سوی بریتانیا در کشورهای جهان
در سال ۱۶۰۰ میلادی، ملکه انگلستان به منظور هجوم به هندوستان، وزارت
مستعمرات انگلستان هم نقشه شوم اسارت ملت ایران را پیریزی نمود و فرمان (هجوم
به هند) و (حملة دسته‌جمعی به ایران) در يك زمان صادر شده.
در این فرمان به مأمورین سیاسی بریتانیا اختیار داده بود که (فراماسون کردن)
مأموران اعزامی به ایران تشکیل لژهای فراماسونی در این کشور بکوشند و در تشویق

ایرانیانی که غایب انگلستان هستند به عضویت در فراماسونری مجاهدت بمل آورند. «دیپلماتهای انگلیسی در ایران به منظور دستیابی به درآمد نفت و حکومت ایران، تمامی رجال ایران را به ورود در گروه فراماسونها تشویق می‌کردند که خودشان بنیانگذار و حامیان آن گروه بودند و مورد حمایت سیاست بریتانیا قرار می‌گرفتند.» مانند وثوق الدوله، قوام السلطنه، ذکاءالملک فروغی، مخبرالسلطنه هدایت. (نقل از صفحات ۱۲ - ۱۸ جلد اول فراموشخانه و فراماسونری در ایران، نوشته: اسمعیل رائین)

۲- کشته شدن و عزل صدراعظم‌های ایران

«اگر نشر کوتاهی به تاریخ ۱۵۰ ساله اخیر ایران بیفکنیم، خواهیم دید که در دوران تسلط اجانب در ایران، چند صدراعظم کشور ما که (فراماسون) نبودند یا کشته شدند و یا پس از مدت کوتاهی خانه‌نشین و معزول گردیدند. مانند قائم‌مقام قراقرانی، امیرکبیر، دکتر مصدق...»
نقل از صفحه ۲۱ - جلد اول کتاب (اسمعیل رائین) فراموشخانه در ایران)

۳- رد عضویت از گروه (جامع آدمیت)

«در رد تهیتی که به دکتر مصدق مبنی بر عضویت در سازمان فراماسونری زده شد، نخست به کتابی مستند و پرمحتوا که از (انتشارات همگام) نوشته‌ی آقای علی جانزاده در سال ۱۳۵۸ - در صفحه ۶ آن کتاب در زیر اشاره می‌شود:
«دکتر مصدق روز دهم تیرماه ۱۳۸۶ در سن ۲۵ سالگی هنگامی که کمی کمتر از یکسال از صدور فرمان مشروطیت و اولین پیروزی انقلاب می‌گذشت، با امضاء سوگندنامه، عضویت در (جامع آدمیت) در واقع زندگی سیاسی خود را در عصر آزادی شروع نمود و عهد کرد تا شأن و حقوق شرافت آدمی را در هر مقام مادام‌الحیات حفظ نماید، سپس بشرح و دلالتی که گذشت با یافتن آنچه مطلوب نظر خود، از این جمعیت کناره‌گیری کرد.»

۴- انحلال (جامع آدمیت)

»

«عده‌ای از هموطنان ما که شیفته اسرار مخفی فراماسونری شدند بجانب (جامع آدمیت) که میرزا عباسقلیخان آترا آورده بود روی آوردند. ولی بطوریکه گفته شد بعلمت اختلافات و دو دستی‌ها و اتهاماتی که به مؤسس این سازمان وارد آمد، این مجمع نیز برنوشت دو سازمان دیگر گرفتار گردید، و بدین ترتیب سه سازمان فراموشخانه ایران که از لحاظ فراماسونری جهانی غیر مجاز بشمار می‌رفتند، منحل شدند.»

(نقل از صفحه ۴۲ - جلد دوم فراموشخانه در ایران - نوشته اسمعیل رائین)

۵- پس از امیرکبیر و دکتر مصدق بسیاری از نخست‌وزیران (فراماسون) بودند

در يك قرن اخير از دوران ناصرالدین‌شاه که اوائل انقلاب اسلامی، بسیاری از نخست‌وزیران و وزیران ایران فراماسون بوده‌اند و سرنوشته مطلوبی داشته‌اند مانند: میرزا آقاخان نوری، میرزا حسین‌خان سپهسالار، میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان، میرزا حسن‌خان مشیرالدوله، مفیرالسلطنه هدایت، مؤتمن‌الملک، مسئوفی‌الممالک، ایراهیم‌خان حکیم‌الملک، وثوق‌الدوله، قوام‌السلطنه، ذکاء‌الملک فروغی، صدالاشرف، محمد ساعد، مهندس شریف امامی، علی سهیلی، علی‌منصوره دکتر اقبال، علم، حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا، این نخست‌وزیران که همگی (فراماسون) بوده‌اند یا فشار سیاسی بریتانیا بر سر کار آمده و همواره مورد حمایت دولت انگلیس و لژ فراماسونری (بریتانیا) و ایرانیان ماسونی بوده‌اند. آنها از روز نخست حکومت تا پایان نخست‌وزیری هیچگاه از حمایت منافع و سیاست انگلستان در ایران دست برنمی‌داشتند.

۶- تنها نخست‌وزیر ایران که علیه منافع و سیاست استعمارگر انگلستان قیام کرد و (ماسون) نبود.

با بررسی تمامی دوران مبارزات سیاسی دکتر محمد مصدق از روز نخست تا پایان عمر، علیه سیاستهای استعمارگر و غارتگر متجاوز بریتانیا در تلاش بود، وی نخستین وزیری بود که دست دولت بریتانیا را از چپاول و غارت درآمد نفت ایران، با ملی‌ساختن (نفت ایران) جدا ساخت و دست روسها را از نفت شمال و شیلات قطع ساخت.

این خود یکی از بهترین نشانه‌های (فراماسون) نبودن، آن رادمرد بزرگ ایران است که همواره با بزرگترین قدرت استعمارگر جهان و بنیانگذار (فراماسونری) از سیصد سال پیش در سراسر کشورهای جهان لژهای (ماسونری) توسط ایادی و عوامل و دیپلماتهای خود تأسیس نمود و عوامل خود را در آن شاخه‌ها بکار گمارد و منافع بریتانیا را در آن سرزمین‌ها تأمین نمود.

بهمین دلیل دولت انگلیس پیش از ملی‌شدن صنعت نفت ایران، از رجسار فراماسون ایرانی مانند: قوام‌السلطنه، وثوق‌الدوله، حسین‌علاء، محمد ساعد، علی منصور، گلشائیان بر سر کار آورده و به‌قارت منافع ملی ایران از نفت ادامه داد.

۷- دکتر مصدق، نخستین شخصیت سیاسی و نخست‌وزیر ایران بود که پس از اعدام (میرزا تقی‌خان امیرکبیر) در مملکت‌داری و مبارزه با فساد و تجاوز غارتگرانه استعمارگران روس و انگلیس مبارزه پرداخت. وی مدارک و اسناد چپاولگرانه بریتانیا را از پرونده‌ها و اسناد مکشوفه از غارت منافع ملی ایران پس از ملی‌ساختن صنعت نفت در دادگاه بین‌المللی لاهه و در شورای امنیت به‌تماسی مراکز خبرگزاریها و دیپلماتهای جهان ارائه و انتشار داد.

اب بر اساس مواد اساسنامه (فراماسونیا) مؤلفند که منافع یکدیگر و حتی رجال فراماسون کشورها منافع فراماسونهای کشورهای دیگر را تا پای جان حفظ و رعایت کنند. از آنجا که دو زمامدار دو دولت مخالف: ملی شدن صنعت نفت ایران (آیزنهاور) رئیس‌جمهور آمریکا و (وینستون چرچیل) نخست‌وزیر انگلستان هر دو از اعضای لژهای فراماسونی کشورهای خود بودند (ص ۹۸) جلد اول فراموشخانه در ایران - تألیف اسمعیل زائین) بکک (محمدرضا پهلوی) لژ اعظم فراماسونهای ایران، هر سه نفر، دست اتحاد بیکدیگر داده، آن سه زمامدار (فراماسونی) آمریکا - انگلستان و ایران با همکاری و اتحاد با فراماسونهای داخلی ایران و بکک عوامل (مبیا) و (اینتلیجنت سرویس) در ایران علیه دولت ملی دکتر مصدق در (روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) دست بگودتا زدند، خانه و اثاثیه این خدمتگذار و جانفشان ملت ایران را بغارت بردند و استاد و مدارکش را ربودند و به آتش کشیدند، دکتر مصدق تا روز مرگ خود با بزرگترین قدرتهای استعمارگر جهان در حال مبارزه بود.

آن دو قدرت به دنبال این کودتا یا همکاری فراماسونهای داخلی ایران بمدت ۲۵ سال نفت ملی شده ایران را به نرخ بسیار ارزانی بغارت بردند. (تمامی این اسرار کودتا توسط عوامل آمریکا و انگلیس و ایران در کتب منتشر شده است) ۹- دکتر مصدق در تمام دوران زمامداری، در کنار خود شخصیت‌های متدین، ملی، پاکدل و مؤمن ممتازی داشت مانند:

دکتر سید حسین فاطمی، دکتر شمس‌الدین امیر علائی، دکتر شایگان، سید محمود تریمان، اللهبیار صالح، سید حمین مکی، مهندس مهدی بازرگان، ارسلان خلعتیری، دکتر رضا کاویانی، مهندس حسینی، جلالی تائینی، مهندس زیرک‌زاده، مهندس رضوی داریوش فروهر. که تا آخر روزهای زمامداریش با وی همکاری داشتند.

۱۵- دکتر مصدق نخستین محقق ایرانی بود که برای اولین بار در ایران، در باره (کاپیتولاسیون) و سیاست استعمارگران غربی در کشورهای کوچک جهان، در سپتامبر ۱۲۹۳ کتابی بنام (کاپیتولاسیون) منتشر ساخت و خواهان‌الفای این وابستگی استعماری یا اجانب شد. وی در تمام دوران زندگی سیاسی و حقوقی و اداری خویش همواره با قدرتهای استعمارطلب خارجی و عوامل داخلی مبارزه می‌کرد.



این ده قسمت از شرح زندگی بزرگمرد دکتر محمد مصدق نشان میدهد که وی بی‌چون و چرای در حلقه‌های فراماسونهای ایرانی نبود و با آنها چه داخلی و چه خارجی همواره در حال مبارزه بود. وی در دوران زمامداری خود با بزرگترین قدرت ماسونری جهان بریتانیا (و بنیانگذار لژهای ماسونری در سراسر کشورهای جهان) تا پای جان خود را به جنگ و درگیری پرداخت، این خود بزرگترین قداکاری یک فرد وطنخواه، متدین، با ایمان، ضد دخالت بیگانگان و ضد فراماسونری خارجی و داخلی در ایران بوده است. خداوند روان آنمرد مبارز با دخالت و غارت منافع ملی ایران شاد فرماید.

آثار سیاسی، قضائی، حقوقی، علمی دکتر مصدق

- ۱- شرکت سهامی در اروپا - (تهران ۱۲۹۲) ش - ۱۰۴ صفحه
- ۲- حقوق پارلمانی در ایران و اروپا - (تهران ۱۳۰۲) ش - ۱۷۲ صفحه
- ۳- اصول قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران - (۱۳۰۴) ش - ۲۲۲ صفحه
- ۴- دستور در محاکم حقوقی - تهران (۱۳۲۳) ق - ۲۹۷ صفحه
- ۵- کاپیتولاسیون و ایران - تهران (۱۳۲۳) ق - ۶۶ صفحه

نقل از روزنامه دنیا

ایکاش دیگر روزنامه نگاران ایرانی دعوت دولت انگلستان را مانند شیفته رد می‌کردند * روز اول مهرماه پنج نفر از روزنامه نگاران ایرانی باین شرح: بوشوری‌پور خبرنگار روزنامه نبرد - ترقی مدیر مجله ترقی - والا مدیر مجله تهران مصور - معینان نماینده روزنامه آتش و دوامی نماینده روزنامه اطلاعات بنا به دعوت دولت انگلستان تهران را بقصد لندن ترک گفتند. مسافرت اینمده تا این ساعت بدون سروصدا بود و در این مدت کوچکترین خبری از این مسافرت منتشر نگردید و بطوری که اطلاع یافته‌ایم مسافرت روزنامه نگاران ایرانی در انگلستان یا بی‌اعتنایی دولت انگلیس مواجه شده و آنطور که شایسته بود پذیرائی بعمل نیامده است. چقدر بیجا بود آقایان باصطلاح روزنامه نگار ایرانی مانند شیفته سردبیر روزنامه ماختر امروز این دعوت را رد میکردند و بدینطریق کسب آبرویی برای ملت خود فراهم می‌نمودند.

آماري از چپاول و سرقت چهل ساله شرکت غازتگر نفت سابق از منابع ملي ايران^۱

مروري به عمليات چهل ساله (۱۹۱۰-۱۹۵۰) شرکت غازتگر سابق نفت از طريق محيله و تزوير و حسابسازي درآمد و اموال ملت ما را بخارت مي برد. بدین شرح:

۱- در این چهل سال شرکت نفت (۲۵۰۰) ميليون چلیك نفت را با توطئه در معامله بسود خود و زبان ملت ايران، به خریداران نفت يا كاهشي از قيمت نفت ايران از نرخ روز، هر بشكه (۱۱۰ تا ۲۵ دلار) بفروشي ميرسانيد. این كم فروشي زياني بنرخ روز (۲۷۵۰ تا ۲۶۵۰ ميليون دلار) بدلت ايران رسيد.

۲- در طول چهل سال با حسابسازي مختلف جمع پنج ميليارد دلار سود خود را بشرح ذير تقسيم کرد:

الف- درياقت دولت انگلستان بابت ماليات بر درآمد، چهل ساله ۰۰۰ را ميليون دلار
ب- سود سهام بدولت انگليس پرداخت شد ۱۸۰ ميليون دلار
ج- سود ديگر سهام به سهامداران پرداخت شد ۱۷۰ ميليون دلار
د- بابت قيمت تاسيسات ۱۵۰ شرکت تابعه شرکت و نفت كشها ۲۲۰۰ ميليون دلار
و- سود ملت ايران صاحب نفت فروخته شده، چهل ساله ۴۵۰ ميليون دلار

دلار ۵۰۰۰

۳- حيله و تزوير و تقلب شرکت سابق نفت از سال ۱۳۱۸ تا روز ملي شدن صنعت نفت، از طريق لوله اي محرمانه و مخفي از زير (اروند رود) از آبادان به بصره كشانيد. نفت و بنزين ايران را بشکل نفت و مجاني بخارج صادر مي کرد و پولش را بخارت مي برد. اين لوله پس از ملي شدن صنعت نفت توسط دريادار (شاهين) كشف شده. لوله دوم محرمانه و مخفي در كرمانشاه، از زير خاک، نفت و بنزين را از (نفت شاه كرمانشاه) از ايران به سمت (كركوك) عراق متصل ساخت و نفت ملت ايران را بشکل نفت و مجاني بخارج صادر مي کرد.

۴- تعاملي اسناد محرمانه فروش اين سرقتها و تزوير و تقلب كه در دفتر مركزي شرکت در آبادان بود، در اولين ماه ملي شدن صنعت نفت آنها را جمع آوري کرده و در ۱۲۰ صندوق بزرگ با هواييمای بریتانيا از آبادان محرمانه به لندن فرستادند.

شرکت سابق نفت با این چهار حيله و تزوير ثروت و اموال ملت ايران را طی چهل سال به خارت برد و ميلياردها دلار بملت ما زبان رسانيد.

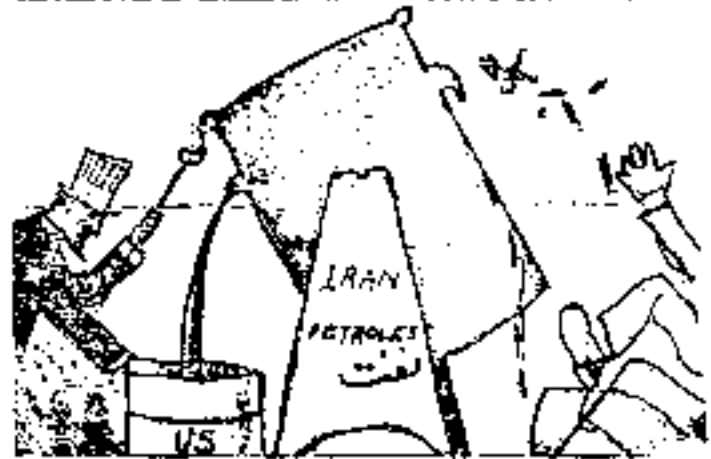
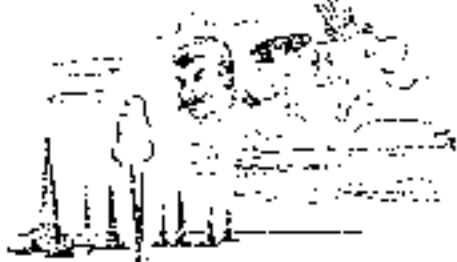
پايان كتابه

۱- نقل از: تر دکترای نویسنده در سال ۱۳۳۷ بنام (اصل ملی شدن صنایع در جهان و ملی شدن صنعت نفت ایران)

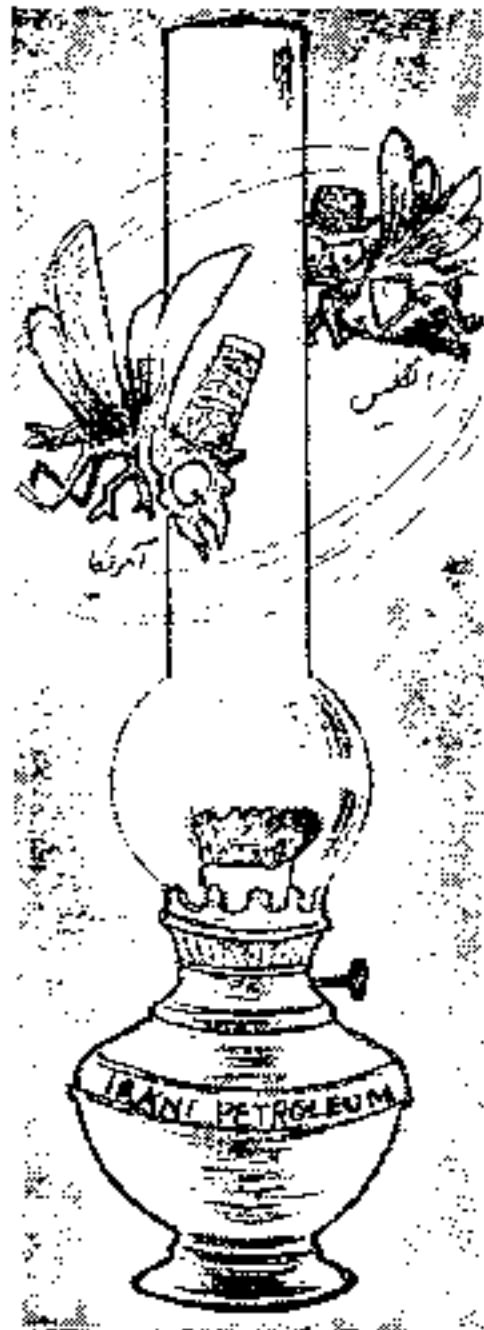
بهترین آثار که در سی سال اخیر دربارهٔ دکتر مصدق انتشار یافته است

- ۱- کتب مجاهدان و شهیدان راه آزادی نویسنده دکتر شمس‌الدین امیرعلایی
ناشر (دهخدا)
- ۲- کتاب خلع‌ید از شرکت نفت انگلیس و ایران نویسنده دکتر شمس‌الدین امیرعلایی
ناشر (دهخدا)
- ۳- خاطرات و تالیفات مصدق بقلم دکتر مصدق
انتشارات علمی
- ۴- جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران نویسنده سرهنگ غلامرضا نجفی
شرکت سهامی انتشار
- ۵- ایران در دوران دکتر مصدق نویسنده دکتر میسر ذبیح
مترجم محمد رفیعی مهرآبادی
تاریخ ایران
- ۶- مصدق بقلم علی جانزاده
انتشارات حکام
- ۷- خاطرات سیاسی غلامرضا مصور رحمانی
انتشارات روان
- ۸- دکتر مصدق در محکمه نظامی (جلد اول و دوم) دکتر جلیل بزرگسور
نشر تاریخ ایران
- ۹- دکتر مصدق در دادگاه جدید نظر نظامی دکتر جلیل بزرگسور
شرکت سهامی انتشار
- ۱۰- مصدق و مبارز بزرگ فخر نجفی
شرکت سهامی انتشار
- ۱۱- دفاع دکتر مصدق از نفت در زندان بومی نویسنده حسن صدر
شرکت سهامی انتشار
- ۱۲- سقوط امپراتوری انگلیس و دولت دکتر مصدق برین لینگ (مترجم محمود عنایت)
کاتبسرا
- ۱۳- دکتر مصدق و اقتصاد حسن مواتیان فرد
منازمان انتشاراتی عبوری
- ۱۴- محمود محمدرضا شاه بقدرت دکتر شمس‌الدین امیرعلایی
(دهخدا)





چراغ نفتی ایران
و پروانه های انگلیسی و آمریکایی



تا چندی پیش انگلیس نفت ایران را میبردند ، حالا
ایران آمریکا کار خود را کرده نفت ایران پس از این بشکند
اصو منها سوا زیر خواهد شد .
کاریکاتور از «نوو اورهیا» چاپ مسکو

بحران نفت ایران
از نظر دولت بزرگ



کاریکاتور از روزنامه نود سه ساله
(مجارستان)

کاریکاتور از روزنامه (شار ناکار) چاپ هندوستان

دکتر مصدق و بحران اقتصادی



نولی که بغه جادو کرزا گرفته است
کاریکاتور از نیویورک تایمز «آمریکه»

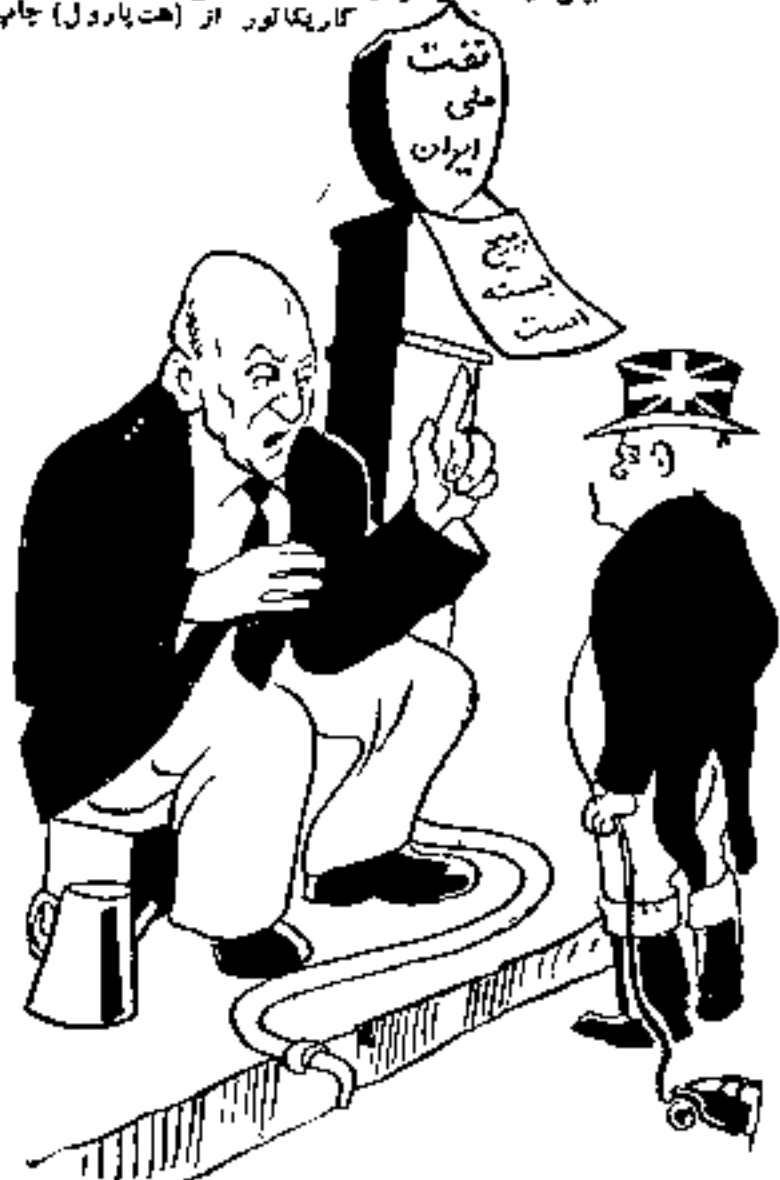


بوی و مصدق بر سر وقت باهم تراغ مینندند
کاریکاتور از (هت پارول) چاپ هلند

مصدق و چراغ سحر آمیز



ایکاش میدانستم چطور اورا
بجای خود بر گردانم ؟
قل از «بوز کرونگل چاپ لندن»



نودای امنیت که بهل است باآسمان مقم هم بروی از این شیرفت
«از سیاست ما» بیرون نخواهد آمد .



فتدارم ، خوبشم دارم ، چون پول شما سکه بریدارم فروش نیست !



جواب «های» ، «هوی» است •
از «شاکتارس» چاپ هندوستان



توپ سر جویون بول است !

آغاز فصل فوتبال در خاورمیانه از روزنامه مصری «الاجبار»



دغدغه پس برده جنگجوی من و نومت
چون برده بر افتد نه تو عالمی و نه من
«کارکنان» از پرخاش •

- ۱ - تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی در دو مجلد و ۱۲۱۶ صفحه به قطع وزیری.
- ۲ - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر محمد مصدق نگارش دکتر نصرالله شیفته سردبیر روزنامه‌های مرد امروز و باختر امروز و مدیر مجله دانشمند.
- ۳ - نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) (جلد هفتم) در ۶۲۴ صفحه به قطع وزیری.
- ۴ - دائره‌المعارف پزشکی تألیف دکتر نصرت‌الله کاسمی.
- ۵ - تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (از بایزید بسطامی تا نور علی‌شاه گنابادی) تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع).
- ۶ - تجلی تاریخ ایران (مجموعه مقاله‌های تاریخی و جغرافیائی) نگارش عبدالرفیع حقیقت (رفیع) در ۷۵۶ صفحه به قطع وزیری.
- ۷ - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز و وزیر خارجه دکتر محمد مصدق نوشته دکتر نصرالله شیفته (چاپ دوم).
- ۸ - زندگینامه و مبارزات سیاسی محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز نوشته دکتر نصرالله شیفته (چاپ دوم).
- ۹ - ارغنون حقیقت (مجموعه شعر رفیع) به خط استاد حسن سخاوت مدرس و عضو انجمن خوشنویسان ایران.
- ۱۰ - تاریخ قومس (کومش) (سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام، جندق) (چاپ سوم).
- ۱۱ - مجموعه کامل غزل‌های سعدی به خط استاد حسن سخاوت و مقدمه «رفیع» (چاپ دوم).
- ۱۲ - فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز تألیف «رفیع» در ۶۴۰ صفحه به قطع وزیری.



پروفسور جیو : دکتر محمد عباس - حسن مکی - مهندس رضوی - دکتر سمنگس - دسر شادنگن

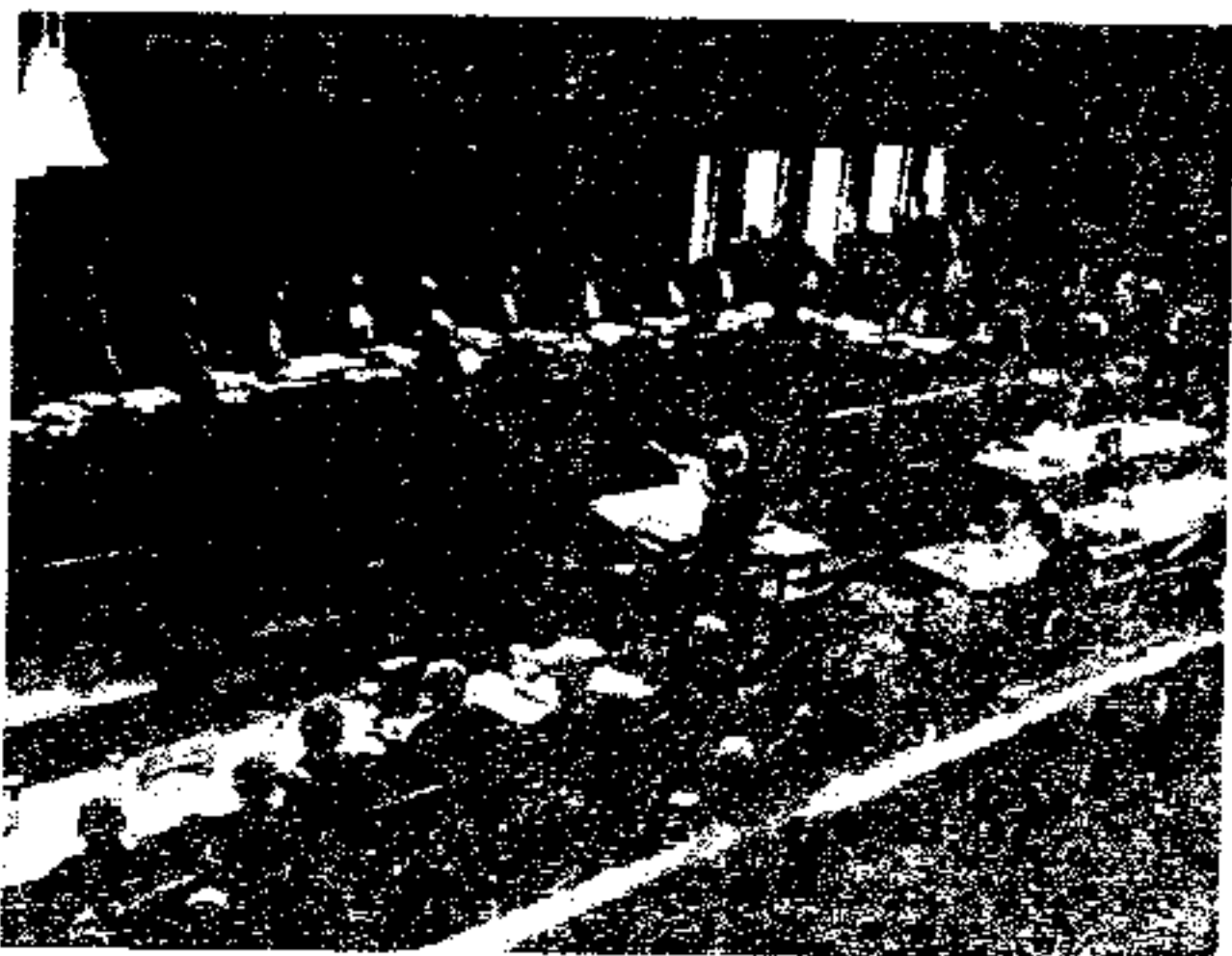
قصات دیوان داور کی لایمہ



دیکٹر * رئیس انکساری دلاکد لایمہ * گورو * نائب رئیس دلاکد لایمہ



دلاکد لایمہ کے اجلاس کے دوران دلاکد لایمہ کے اراکین





..... وندگه صدقی بی پستمانی مؤمن و سحران ، و نطو...
 مخالفان است و لذت جوان ملت توست طبیعت بوی
 تمام اوقات ، نوشن خج ، جهت خواندن طلعت ، ناکت است
 ایران ، در وجود کائنات مزاج آراحت برین بخش بوی میزار...

آیت شاهانی

پیشتر سال ۱۳۳۰